

اعلامیه استقلال ارز

شاید تاریخ دقیقاً تکرار نشود، اما مطمئناً با آن هم راستا خواهد بود.

در حوادث انسانی، هنگامی که آشکار می شود که باندهای کنترل و قدرت همگی از یک منبع مشترک جهانی نشأت می گیرند، لزوم جدایی از این قدرت ها تبدیل به مسأله بقا می شود.

از زمانی که صنعت چاپ وجود داشته است، تمام تمدن ها تحت تاثیر نهادهای مستقلی که با دستکاری در ارز و کنترل آن، توانایی کنترل میزان ارزش کارها را داشتند، قرار گرفتند. زحمت و یا "عرق جبین" دیگر از طریق هیچ معیار قابل مشاهده ای نمایان نمی شد، بلکه از طریق نیروی نامرئی و غیر قابل کنترل نهادهایی تعیین می شد که خارج از کنترل عموم مردم، ارز را تغییر می دادند.

مصرف انرژی توسط انسان، ماشین و طبیعت، تنها منبع ارزش است. ارزش این منابع و آثار آن ها از طریق تورم عمدی ارزهای چاپی، کاهش یافته است. آن طور که جمعیت جهانی متوجه شده اند، پول و ارز دیگر نشان دهنده نتیجه تلاش و زحمت نیست بلکه نتیجه یک سری محاسبه دلخواه افراد و سازمان هایی است که این ارز ها را تحت نفوذ دارند. بشریت تحت سلطه کنترل از طریق حکم (fiat) قرار گرفته است، اما این سلطه فقط فشار را بر روی انسان ها برای یافتن راه فرار بیشتر می کند.

زمانی که نهادها این قدرت را به دست بیاورند که بتوانند به طور مصنوعی و با کشیدن خودکار روی کاغذ، ارزش بیافرینند، رشوه خواری و تبانی برای این قدرتمندان موضوعی بدهی می شود. کسانی که دسترسی به این قدرت را دارند، طبیعتاً یک حساب محافظت قضایی ایجاد می کنند که اختلاف ثروت را ناشی می شود. در نتیجه، ارزش کارها کاملاً توسط محاسبات دلخواه و خودسرانه سیاسی کاهش یافته است. یکپارچگی ارزش در تمامی جوامع بالاجبار و به معنای واقعی کلمه، به مرز ناسازگاری پیش می رود.

این فرار حیاتی از طریق مصرف انرژی و در شکل قابل اثبات و غیر قابل انکار ریاضی آمده است - بیت کوین و دیگر سرمایه های رمزنگاری شده.

پیش از گسترش سرمایه های رمزنگاری شده، گزینه واگذاری کنترل بر عرضه ارز توسط دولت، به علت خطرانی چون جعل و هزینه های مربوط به محافظت از یکپارچگی ارزها، امکان پذیر نبود. دولت، و فقط دولت، می توانست از طریق تهدید و تحمیل زور، یکپارچگی یک ارز چاپی را تامین کند. حفظ این یکپارچگی برای ثبات و پایداری یک دولت ضروری است، زیرا این اطمینان را می داد که مبادله ارز می تواند مورد اعتماد باشد. با این حال، نگهداری از این یکپارچگی می تواند به طور اساسی دستکاری شده باشد، و این طور هم هست.

در حالی که دولت هنوز هم انحصار استفاده از خشونت به صورت قانونی را در دست دارد، انحصارش را در کنترل ارز به طور واضحی پس از پیاده سازی و راه اندازی بیت کوین و دیگر مشتقات پول های رمزنگاری شده، از دست داده است.

با این که زمانی، ارزش توسط قدرت دولت ثابت می شد، انسان ها تکنولوژی ای را ایجاد کرده و گسترش داده اند که ارزش را از طریق مصرف برق و به طور کاملاً ریاضی و قطعی اثبات می کند. چنین مفهومی هرگز تا پیش از شروع بلاک چین بیت کوین انجام نشده بود.

از آن جایی که استفاده از ارزهای رمزنگاری شده گسترش یافته است و نرخ پذیرش آن در سراسر جهان در طی دهه گذشته افزایش یافته است، مفهوم "ارزش" در ذهن کسانی که توانایی های این تکنولوژی جدید "انتقال ارزش" را به خوبی درک کرده اند، کاملاً تغییر کرده است. همان طور که اینترنت، نگرش مردم را درباره انتقال اطلاعات تغییر داد، پول های رمزنگاری شده نیز همین تغییر نگرش را درباره مبادله ارزش انجام می دهند.

ما از ارز های کنترل شده توسط دولت اعلام استقلال نمی کنیم - ما اعلام می کنیم که ارزهای کنترل شده از طریق حکم و دستور دیگر منسوخ و کهنه شده است.

دلایل ما برای اعلام منسوخی این امر بی شمار است. بسیاری از مرگ ها و جنایات قرن گذشته به نهادهایی که دارای کنترل بر ارز بودند بر می گردد که کنترل بسیاری از اهرم های قدرت را نیز برای هدایت بشریت در دست داشتند.

آن هایی که ارزهای ما را ایجاد می کنند، با یکدیگر هم پیمان شده اند که کنترل تمامی منابع پولی جهان را در دست داشته باشند، در حالی که با سرکوب رسانه ها و آموزش و پرورش، درباره این واقعیت که آن ها نیز قادر به توطئه هستند ایجاد ابهام کرده اند.

آن ها با رباکاری وام دادن به بانک های دولتی ای که ملزم به ارائه ی حسابرسی های شفاف و دقیق هستند، در معرض ریسکی سیستماتیک هستند در حالی که خود از ارائه چنین حسابرسی هایی سر باز می زنند.

رفتار آنان مرتباً شرایط بازارهای آزاد بالقوه را به نفع ارائه ارزهای تازه چاپ شده به کسانی که به آنان اطمینان دارند تغییر داد، بر خلاف ارائه ارز به کسانی که بازار آزاد به آنان اطمینان دارد.

آن ها از طریق حمایت برخی از قانون گذاران و تنظیم کنندگانی خودشیرینی می کنند که سیاست هایی را وضع می کنند که به آن ها اطمینان بدهد که اقدامات آنان با کمترین خطر و بیشترین میزان دستاورد به نتیجه می رسد، و این کار را با منحرف کردن عواقب کارهایشان به سمت جماعتی که از ارزهای آنان استفاده می کنند انجام می دهند.

آن ها با اجتناب از هر نوع پاسخگویی و مسئولیت پذیری برای ایجاد خطرات سیستماتیک، اعتماد عمومی به نمایندگان منتخب و استفاده مساوی از عدالت را از مردم سلب کرده اند.

آن ها به هم درد و هم درمان بحران های مالی تبدیل شده اند، بحرانی که دیگر هیچ راه چاره ای برای آن وجود ندارد، و این نتیجه ای از رفتار آن هاست.

این اعلامیه استقلال ارز، پاسخی مستقیم به دستکاری و تخریب مداومی است که از تنزل عمدی ارزش در سراسر بشریت نشأت می گیرد.

ما امضا کنندگان، زندگی خود را صرف ایجاد شبکه ها و سیستم هایی می کنیم که یکپارچگی ارزش را بازگرداند و به طور مستقیم، قدرت و اختیار کسانی را که به دنبال نابودی ارزش هستند به چالش بکشیم.